

تبیین اختلاف نظر موجود در خصوص بزه تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد؛ در پرتو نقد رأی

امیررضا قانع*

چکیده

امروزه با ملاحظه پرونده‌های مطروحه در نزد محاکم، بعضاً مشاهده می‌گردد که فی‌مابین قضات محترم در موارد رسیدگی به بزه موصوف در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، تحت عنوان «تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد»، اختلاف عقیده وجود داشته و دو نظر موجود است. عده‌ای بر این باورند که بزه تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد ذکرشده در ماده ۶۱۷ قانون مزبور، صرفاً در مواردی قابل تحقق است که هدف مرتکب به انجام فعل بعد از آن تحقق نیابد، در مقابل نیز گروهی معتقدند که، بزه مذکور در ماده ۶۱۷ قانون فوق، به نحو اطلاق تعیین گردیده و قید و استثنائی از سوی قانون‌گذار در خصوص ارتکاب این فعل بیان نشده است، لذا موفقیت و یا عدم موفقیت فرد مرتکب در ارتکاب افعال بعدی، تأثیری در مجازات وی به جهت ارتکاب فعل پیشین نخواهد داشت. با عنایت به موارد ذکرشده در پژوهش حاضر و صرف‌نظر از صحت استدلال هر یک از قائلین به هر دو عقیده، به نظر می‌رسد که، قانون‌گذار در طرح ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، به میزان قابل توجهی حفظ نظم و برقراری امنیت را مدنظر قرار داشته است. لذا حسب اطلاق مفاد مطروحه در متن ماده و عدم ذکر قید و استثنائی از سوی قانون‌گذار، این مهم واقف می‌آید که بزه مزبور به محض ارتکاب افعال یادشده از سوی مرتکبین محقق می‌گردد و موفقیت مجرمین در ورود صدمات بعدی به فرد شاکی، تأثیری بر مجازات فرد خاطی

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

در خصوص ارتکاب اعمال پیشین ایشان نخواهد داشت. و صدور قرار منع تعقیب از سوی قضات محترم دادسرا و صدور حکم برائت از سوی قضات محترم دادگاه نیز امری ناصحیح تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: تظاهر، قدرت‌نمایی، سلاح سرد، اختلاف‌نظر، حکم برائت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بدون شک، امنیت جامعه، مسئله مهمی است که برقراری و حفظ آن همواره دارای اهمیت والا و شأن و جایگاهی غیرقابل انکار بوده است. حسب تجربه قضایی و عملی، آنچه که امروزه در دادسرا، و به خصوص دادسراهای ویژه رسیدگی به جرائم جنایی، ملاحظه می‌گردد، افزایش میزان پرونده‌هایی تحت عناوین تهدید، تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد و ایراد جرح عمدی با چاقو می‌باشد. با کمی دقت مشخص است که بزه مذکور پیش از آن که آسیبی به اشخاص وارد نماید، امنیت جامعه و شهروندان را مورد هدف قرار داده است که می‌بایست به نحو جدی با آن برخورد گردد. اهمیت این امر از سوی قانون‌گذار تا آن جا است که در بند ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در صورت تحقق شرایط موجود در ماده ۲۳۸ قانون مزبور، امکان صدور قرار تأمین از نوع بازداشت موقت که به نوعی شدیدترین قرار تأمین می‌باشد را برای مرتکبین این بزه (تهدید، تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد) از سوی قضات رسیدگی‌کننده به فعل مزبور، فراهم داشته است. با مذاقه در آراء صادره از سوی محاکم بدوی و تجدیدنظر، و همچنین با بررسی پرونده‌های موجود در نزد دادسرا و بعضاً صدور قرارهای متناقض جلب به دادرسی و منع تعقیب از سوی قضات تحقیق، آنچه در خصوص تحقق بزه تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد منشأ اختلاف شده است شیوه ارتکاب و تحقق آن است. مسئله مهم و اساسی در این خصوص این است که آیا بزه مزبور، یک جرم مطلق است یا آن که مقید بوده و به محض این که فعلی از سوی مرتکب، نظیر ایراد جرح عمدی با چاقو صورت یافت، این بزه منحل گردیده و دیگر امکان مجازات فاعل جرم به تحمل این مجازات نیز نمی‌باشد؟ سوال مطرح شده علاوه بر آن که اذهان برخی از قضات محترم به خصوص قضات ویژه رسیدگی‌کننده به جرائم جنایی را درگیر نموده است، از طرفی علل اساسی و مهم نگارش پژوهش حاضر می‌باشد. در این اثر با عنایت به طرح مسئله فوق و بررسی زوایای موجود به دنبال پاسخ مناسب و یکسانی به جهت حل مسئله موجود هستیم تا شاید بتوان در این خصوص به میزان حداقلی، وحدت‌رویه و آن هم به لحاظ عرفی در بین محاکم ایجاد نمود.

۱. خلاصه جریان پرونده

در پرونده مورد بررسی، بدو، آقایان «ب.پ. و ر.م.» علیه آقای «ح.ن.»، شکایتی را تحت عنوان مشارکت در ایراد جرح عمدی با چاقو (با همکاری آقای ع.ج.) و تهدید و قدرت‌نمایی با سلاح سرد در نزد دادسرا مطرح می‌نمایند. پرونده مطروحه پس از طی نمودن مراحل تحقیقات مقدماتی و صدور قرار جلب به دادرسی و نهایتاً صدور کیفرخواست به نزد دادگاه کیفری دو ارسال می‌گردد. رئیس محترم دادگاه پس از برگزاری جلسه و استماع اظهارات طرفین علی‌رغم صدور کیفرخواست از سوی دادسرا نسبت به هر دو بزه مطرح شده، نهایتاً باتوجه به محتویات پرونده و شکایت اولیه شاکی، نظریه پزشکی قانونی که مؤید مصدومیت شکات می‌باشد، شهادت شهود، دفاعیات بلا وجه متهم و مفاد کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب ملارد تحت شماره ۱۷۰۳/۱۰۶۶۰ تحقّق و انتساب بزه به نامبرده در خصوص مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی با قمه محرز دانسته، و مستنداً به تبصره ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نامبرده را به ۴ ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید. اما در خصوص اتهام نامبرده دایر بر تهدید و قدرت‌نمایی با چاقو نظر به این‌که حسب ادله ذکرشده متهم فوق بلافاصله اقدام به ایراد ضرب و جرح عمدی با متهم دیگر نسبت به شکات شده است و در این دعوی دو بزه رخ نداده است، لهذا در این خصوص مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و اصل ۳۷ قانون اساسی حکم بر برائت ایشان نیز صادر کرده‌اند. پرونده نیز در راستای اعتراض آقای ر.ف. به وکالت از ح.ن. به نزد دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارسال گردیده است که در نهایت دادگاه محترم با این استدلال که «با ملاحظه محتویات پرونده و لایحه اعتراضیه تجدیدنظرخواه و این‌که از ناحیه ایشان ایراد و اشکال موجه و مؤثری که مطابق شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری موجبات نقض دادنامه موصوف و رسیدگی بیشتر را ایجاد نماید مطرح نگردیده است و دادنامه بدوی از هر حیث موافق مقررات و موازین قانونی اصدار یافته است، لذا دادگاه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مارالذکر ضمن رد تجدیدنظرخواهی به عمل آمده دادنامه

معتراض^۱ عنه را عیناً تأیید استوار می‌نماید.» رأی سابق‌الصدور را ابرام نموده و لیکن در راستای اعلام گذشت شاکی نسبت به تبدیل بخشی از آن نیز اقدام نموده است.

۲. متن رأی بدوی و تجدیدنظر^۱

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۴۶۵

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۳/۰۵/۱۸

مرجع رسیدگی‌کننده: شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

متن رأی بدوی

«در خصوص شکایت آقای ۱. ب.پ. ۲. ر.م. علیه آقای ح.ن.، فاقد سابقه کیفری و با ایداع وثیقه آزاد، دایر بر مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی با قمه (پرونده ظاهراً جهت رسیدگی به اتهام ع.ح. مفتوح است) و تهدید و قدرت‌نمایی با چاقو از حیث جنبه عمومی جرم؛ با توجه به محتویات پرونده و شکایت اولیه شاکی، نظریه پزشکی قانونی که مؤید مصدومیت شکات می‌باشد، شهادت شهود، دفاعیات بلاوجه متهم و مفاد کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب ملارد تحت شماره ۶۶۰۱۰۱۷۰۳ تحقیق و انتساب بزه به نامبرده در خصوص مشارکت در ایراد ضرب و جرح عمدی با قمه محرز بوده، لهذا مستنداً به تبصره ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نامبرده را به ۴ ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم اما در خصوص اتهام نامبرده دایر بر تهدید و قدرت‌نمایی با چاقو نظر به این‌که حسب ادله ذکر شده متهم فوق بلافاصله اقدام به ایراد ضرب و جرح عمدی با متهم دیگر نسبت به شکات شده است و در این دعوی دو بزه رخ نداده است، لهذا در این خصوص مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و اصل ۳۷ قانون اساسی حکم بر براءت صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ به طرفین قابل اعتراض در یکی از محاکم تجدیدنظر استان تهران است.»

متن رأی تجدیدنظر

«در خصوص اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای ر.ف. به وکالت از ح.ن. از دادنامه شماره ۸۰۱۷۱۷

۱. گزارش با به‌کارگیری برخی نشانه‌های نگارشی و سجاوندی و رأی عیناً از بانک آراء قوه قضائیه به نشانی زیر نقل می‌گردد:

مورخه ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی ملارد که به موجب آن مشارالیه به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی به چهار ماه حبس محکوم گردیده است؛ با ملاحظه محتویات پرونده و لایحه اعتراضیه تجدیدنظر خواه و این که از ناحیه ایشان ایراد و اشکال موجه و مؤثری که مطابق شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری موجبات نقض دادنامه موصوف و رسیدگی بیشتر را ایجاد نماید مطرح نگردیده است و دادنامه بدوی از هر حیث موافق مقررات و موازین قانونی اصدار یافته است، لذا دادگاه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مارالذکر ضمن رد تجدیدنظر خواهی به عمل آمده دادنامه معترض‌عنه را عیناً تأیید استوار می‌نماید. لیکن دادگاه با توجه به اعلام گذشت شکات پرونده با رعایت ماده ۲۲ قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب و مواد ۱۹/۳۸/۳۷ قانون مجازات اسلامی با یک درجه تخفیف و تطبیق مجازات با درجه ۸ ماده مرقوم و رعایت ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی مجازات حبس وی را به پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی تبدیل می‌نماید. رأی صادره با لحاظ ماده ۲۴۸ قانون مرقوم فوق قطعی است.»

۳. نقد و بررسی

۱.۳. شرح ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵

قانون‌گذار در ماده مزبور چنین بیان می‌دارد که: «هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در شرح این ماده باید بیان نمود که؛ این ماده یک جرم مطلق بوده و موفقیت فرد در تهدید و یا اخاذی شرط تحقق بزه مزبور نمی‌باشد و با صرف تظاهر و قدرت‌نمایی نیز بزه فوق محقق می‌گردد. اسلحه ذکر شده در این ماده نیز اعم از سلاح سرد و گرم، پر و یا خالی بوده و مواردی از قبیل اسپری ناییناکننده موقت را نیز در بر می‌گیرد. لکن، سلاح قلابی نیز مشمول این ماده نخواهد بود؛ حتی اگر به واسطه آن نیز عمل تهدید و اخاذی صورت یابد باز هم این مورد را شامل نخواهد شد. باید در نظر داشت که مواردی از قبیل چوب، سنگ، قفل فرمان، لوله و ... با آن که ممکن است در عرف اصطلاحاً به‌عنوان سلاح قلمداد گردد لکن در این ماده جایگاهی نخواهد داشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۶۶). به‌عنوان نمونه در

دادسرای شیراز پرونده‌ای تحت عنوان بزه قدرت‌نمایی با سلاح سرد مطرح گردید که شاکی ادعا داشت متهم به وسیله سلاح سرد وی را تهدید نموده و قصد ضرب و جرح ایشان را داشته است. لکن پس از بررسی پرونده و طی شدن مراحل تحقیقات مقدماتی و ملاحظه فیلم دوربین مداربسته موجود در صحنه ملاحظه گردید که متهم صرفاً با در دست داشتن یک تکه لوله (آبی فلزی)، قصد وارد نمودن جرح به ایشان را داشته که در نهایت با میانجی‌گری حاضرین این امر خنثی می‌گردد. لذا باید توجه نمود، هرچند که در رویه امروزه موارد چینی تحت عنوان بزه مزبور مطرح می‌گردد، لکن به نحو صحیح مشمول ماده فوق نمی‌گردد و جایگاهی در این خصوص نیز نخواهد داشت.

برخلاف آن که گلاویز شدن نیز در ماده به نحو اطلاق بیان گردیده است، لکن به نظر می‌رسد که گلاویز شدن نیز می‌بایست همراه با اسلحه باشد تا در شمول ماده مذکور قرار گیرد. پیشینه این ماده، یعنی ماده ۱ لایحه قانونی مجازات حمل چاقو و سلاح سرد مصوب سال ۱۳۳۶ که مقرر می‌داشت: «... یا بدان وسیله (منظور با استفاده از سلاح سرد است)، تهدید یا با کسی گلاویز شود نیز مؤید این است.»^۱ (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۵). اصل تفسیر به نفع متهم و حاکمیت اصل برائت نیز خود مؤید همین نظر است. باید در نظر داشت که مجازات مجرمین بر حسب این ماده مستلزم این مهم است که فرد متهم از مصادیق محارب نباشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۲۶۷). باید در نظر داشت که در صورتی که عمل گلاویز شدن و یا هر یک از موارد مطروحه حسب شرایط موجود در ماده به نحو دسته جمعی شکل گیرد، فعل ارتكابی از شمول این ماده خارج گردیده و مشمول ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، می‌گردد. البته باید در نظر داشت که در رویه قضایی موجود اولاً، می‌بایست شرکت در نزاع منجر به آسیب و یا جرحی گردد و ثانیاً، گواهی پزشکی قانونی فرد مجروح نیز اخذ و ضم در پرونده گردد تا بتوان نسبت به سایر موارد قانونی اقدام گردد.

۲.۳. شرح اختلاف در موضوع

امروزه با مذاقه در پرونده‌های مطروحه در دادسرا، آنچه که پرواضح است

۱. برای ملاحظه نظر مخالف رجوع کنید به: «میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی،

اختلاف و تمایز در قرارهای نهایی و تأمین صادره در خصوص بزه قدرت‌نمایی با سلاح سرد بوده که بعضاً فی‌مابین دادیار و بازپرس تحقیق با دادیاران اظهارنظر صورت می‌یابد. در این خصوص دو نظر وجود دارد که هر دو نظر نیز در رویه طرفدارانی داشته و در حال اجرا می‌باشد. عده‌ای بر این باورند که بزه تهدید و قدرت‌نمایی با سلاح سرد ذکر شده در ماده ۶۱۷ قانون مزبور، صرفاً در مواردی قابل تحقق است که هدف مرتکب به انجام بزه ثانی تحقق نیابد؛ به‌عنوان نمونه در صورتی که فرد الف اولاً با سلاح سرد فرد ب را تهدید نماید و ابراز قدرت نموده و ثانیاً با سلاح سرد مزبور، یک ضربه به دست وی بزند، در این حالت ایشان معتقدند که؛ چون تهدید فرد الف عملی گردیده است، لذا صرفاً نامبرده تحت عنوان بزه ایراد جرح عمدی با چاقو شایسته مجازات بوده و محکومیت ایشان به اتهام بزه تهدید و قدرت‌نمایی با سلاح سرد، به دور از منظور قانون‌گذار و نامناسب می‌باشد. در مقابل نیز عده‌ای اعتقاد دارند که بزه مذکور در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ (تعزیرات)، به نحو اطلاق تعیین گردیده است و قید و استثنائی از سوی قانون‌گذار در خصوص ارتکاب این فعل بیان نشده است، و از طرفی هدف از طرح این ماده از سوی مقتن ایجاد نظم و برقراری امنیت در اجتماع می‌باشد، لذا استدلال گروه اول در خصوص نادیده گرفتن فعل مزبور در خصوص متهمین ناصحیح بوده و به دور از هدف قانون‌گذار می‌باشد. با ملاحظه ماده مزبور به نظر می‌رسد استدلال گروه دوم به واقع نزدیک‌تر بوده و عدم ذکر قیدی از سوی قانون‌گذار و بیان موارد مطروحه در متن ماده به نحو اطلاق نیز مؤید همین نظر است. از طرفی قانون‌گذار همواره در مقام بیان بوده و احتمال خطا از سوی ایشان در مواعد قانون‌گذاری به نحو قابل توجهی کم خواهد بود، لذا اگر قید و یا استثنائی از سوی ایشان مد نظر بود، قطعاً در قالب تبصره بیان می‌گردید. علی‌هذا با عنایت به موارد مزبور فلسفه طرح این ماده در راستای برقراری نظم و امنیت در کشور نیز قوت می‌یابد.

۳.۳. امکان تحقق تعدد مادی (واقعی) فی‌مابین مفاد ماده ۶۱۷ قانون

مجازات اسلامی (تعزیرات) با افعال لاحق ارتکابی

در موارد زیادی مشاهده می‌گردد که پرونده پس از آن که قضات محترم تحقیق در دادسرا تحقیقات مقدماتی را انجام داده و سپس به‌موجب کیفرخواست

در خصوص رسیدگی به دو اتهام تهدید، تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد و به‌عنوان نمونه ایراد جرح عمدی با چاقو، به نزد دادگاه ارسال می‌نمایند، بعضاً قضات محترم دادگاه، دقیقاً مشابه رأی مذکور صادره از سوی دادگاه محترم بدوی در این پژوهش، با این استدلال که: «نظر به این که حسب ادله ذکرشده متهم فوق بلافاصله اقدام به ایراد ضرب و جرح عمدی با متهم دیگر نسبت به شکات شده است و در این دعوی دو بزه رخ نداده است»؛ رأی بر بی‌گناهی و برائت متهم صادر می‌نمایند. حال سوال این است که آیا صدور حکم برائت با عنایت به فلسفه طرح این ماده از سوی مقنن صحیح بوده است و یا این که قضات محترم دادگاه می‌بایست در راستای اعمال قاعده تعدد (واقعی) نسبت به این موضوع رسیدگی و صدور رأی فرمایند؟ برای پاسخ بدین پرسش در ابتدای امر نکاتی در خصوص مبحث تعدد مطرح می‌گردد و سپس ارائه نظر احتمالی در این خصوص خواهد شد.

تعدد جرم، بنا به تعریف عبارت است از ارتکاب جرائم متعدد بدون آن که متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد؛ خواه جرائم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چنان که زمان برای تعقیب متهم و محاکمه وی کافی نبوده، خواه متهم متواری باشد و یا جرائم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد. تعدد جرم از جهات تشدید مجازات می‌باشد. زیرا، عدالت و انصاف حکم می‌کند که مجازات کسی که یک‌بار مرتکب جرم شده است و آن کس که چندین بار نظم جامعه را مختل ساخته، یکسان نباشد. تعدد جرم صور گوناگونی دارد. گاه شخصی مرتکب افعال یا ترک فعل‌های متعددی شده است که هر یک از آن‌ها جرم واحدی به شمار می‌آید، یعنی افعال مادی‌ای که هر یک وصف قانونی مستقلی دارند، در این صورت با فرض تعدد مادی (واقعی)، روبه‌رو هستیم. لکن در فرضی دیگر، فردی رفتار واحدی مرتکب شده است، اما رفتار او دارای عناوین متعدد جرم است، به عبارت دیگر رفتار واحد مشمول چند توصیف مجرمانه است، در این صورت ما با فرض تعدد معنوی (اعتباری)، مواجه خواهیم بود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

جرائم متعدد به شرطی که در فاصله‌های ارتکاب آن‌ها در رابطه با هیچ یک از آن‌ها حکم محکومیت قطعی صادر نگردیده باشد تحت عنوان تعدد واقعی موصوف می‌شوند. البته لازم به توضیح است که تشخیص واقعیت رفتار

مادی متعدد همیشه آسان نمی‌باشد. چراکه گاه به دلیل وجود پیوند عمیق فی‌مابین دو جرم این توهم پیش می‌آید که رفتار صورت‌یافته متعدد نبوده بلکه جرم واحد می‌باشد. دیوان عالی کشور در مقام رفع شبهه در این خصوص آرائی صادر نموده است که به برخی از آن‌ها به شرح ذیل خواهیم پرداخت. در حکم شماره ۲۷۳۵-۱۷/۱۲/۱۳، شعبه دوم دیوان عالی کشور چنین بیان گردیده است که: «وقتی برگ‌های مورد دعوی جعل متعدد باشد رعایت ماده ۲ الحاقی ضروری است ولو این که همه آن‌ها مربوطه به یک معامله باشد. مثلاً اگر کسی چند فقره رسید و چند فقره اجاره جعل کند بزه متعدد است.» (باهری، ۱۳۴۰: ۳۲۲). در پرونده‌ای دیگر در حکمی به شماره ۵۱۹۵-۳۸/۱۰/۱۲ صادره از سوی شعبه هشتم دیوان عالی کشور چنین بیان گردیده است که: «اگر کارمندی از سه نفر در آن واحد رشوه بگیرد این تقارن زمان موجب عدم رعایت تعدد جرم نخواهد بود.» (متین، ۱۳۳۰: ۵۰). گاه نیز به جهت افعال مجرمانه مستقل، رفتار واحد به نظر جرائم متعددی جلوه می‌کند. لذا در این خصوص نیز دیوان عالی کشور آراء متعددی صادر نموده است. به‌عنوان نمونه یکی از این آرا به شماره ۱۲۸۸-۲۵/۸/۷، صادره از سوی شعبه دوم دیوان عالی کشور می‌باشد که چنین بیان نموده است: «بزه سرقت وقتی متعدد محسوب است که محل سرقت مختلف و نوع مال مسروقه و تاریخ ارتکاب متفاوت باشد، بنابراین اگر کسی غله موجود در انباری را در ظرف چند روز سرقت کند، چون محل سرقت و نوع مال مسروقه یکی است بزه متعدد محسوب نمی‌گردد» (باهری، ۱۳۴۰: ۳۲۲). و اما در خصوص تعدد واقعی جرم، قانون‌گذار کشور ما در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در این خصوص چنین بیان نموده بود که: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به این‌که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد...». تقریباً پس از گذشت هفت سال از تاریخ تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، مقنن در سال ۱۳۹۹ به

تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری پرداخت و به موجب آن، در خصوص مبحث تعدد مادی و در ذیل ماده ۱۲ قانون مذکور، ضمن اصلاح ماده ۱۳۴ سابق چنین بیان داشته است که: «الف) هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده است، مجازات را تشدید کند. ب) در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است. پ) چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند ...». و اما در فرض محل بحث در خصوص امکان تحقق تعدد مادی فی مابین بزه موجود در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ با بزه ارتكابی که پس از عمل مزبور رخ می‌دهد، باید بیان نمود که با عنایت به اطلاق ماده ۶۱۷ و فلسفه طرح آن از سوی قانون‌گذار، از طرفی فعل مزبور یک فعل مستقل و مطلق بوده است و تحقق آن هیچ‌گونه ارتباطی با موفقیت یا عدم موفقیت در فعل اقدامی بعدی از سوی فاعل ندارد و به محض انجام افعال مزبور در ماده، عمل صورت یافته و مرتکب نیز می‌بایست مجازات گردد. حال اگر فاعل عمل مزبور، پس از ارتکاب اعمال موجود در ماده ۶۱۷، اقدامات دیگری انجام دهد که اتفاقاً آن اقدامات نیز به موجب قانون جرم باشد، به عنوان نمونه تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح سرد و ایراد جرح عمدی با چاقو، به نظر می‌رسد؛ اولاً می‌بایست هر دو بزه از سوی قضات محترم تحقیق لحاظ گردد و در نهایت پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه صالح ارسال گردد. سپس دادگاه محترم در راستای اعمال قواعد موجود در بخش تعدد مادی و در راستای اعمال بند ب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹، اقدام نماید که حسب ماده مزبور نیز، حداقل مجازات هر یک از جرائم صورت یافته به بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی افزایش خواهد یافت.

نتیجه

با عنایت به موارد ذکر شده در پژوهش حاضر و صرف نظر از صحت استدلال هر

یک از قائلین به هر دو عقیده، به نظر می‌رسد که، قانون‌گذار در طرح ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، به میزان قابل توجهی حفظ نظم و برقراری امنیت را مدنظر قرار داشته است. لذا حسب اطلاق مفاد مطروحه در متن ماده و عدم ذکر قید و استثنائی از سوی قانون‌گذار این مهم واقف می‌آید که بزه مزبور به محض ارتکاب افعال یادشده از سوی مرتکبین محقق می‌گردد و موفقیت مجرمین در ورود صدمات بعدی به فرد شاکی، تأثیری بر مجازات فرد خاطی در خصوص ارتکاب اعمال پیشین ایشان نخواهد داشت. از طرف دیگر، همان‌گونه که مطرح شد، قانون‌گذار همواره در مقام بیان بوده و احتمال خطا از سوی ایشان در مواعد قانون‌گذاری به نحو قابل توجهی کم خواهد بود، لذا اگر قید و یا استثنائی از سوی ایشان مدنظر بود، قطعاً در قالب تبصره بیان می‌گردید. بنابراین با عنایت به موارد فوق، به نظر می‌رسد که اولاً صدور قرار منع تعقیب از سوی قضات محترم تحقیق در مرحله تحقیقات مقدماتی، در خصوص مواردی که فرد مرتکب، علاوه بر عمل تهدید و قدرت‌نمایی با سلاح سرد، بلافاصله، مرتکب اعمالی نظیر ایراد ضرب و جرح عمدی و یا ایراد جرح عمدی با چاقو شده است ناصحیح بوده و ایشان می‌بایست نیز تحقیقات خود را به پایان رسانیده و در نهایت پرونده را به موجب کیفرخواست به نزد دادگاه محترم صالح ارسال فرمایند، و ثانیاً، صدور حکم برائت از سوی قضات محترم دادگاه نیز حسب استدلال مزبور، در موارد برخورد با چنین پرونده‌هایی، ناصحیح به نظر می‌رسد و اعمال مقررات تعدد مادی و در نهایت افزایش حداقل مجازات هر یک از جرائم صورت‌یافته به بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی، (در راستای بند ب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹)، بهترین راه‌حل بوده که به موجب آن از یک طرف حقوق افراد مدنظر قرار گرفته و از طرف دیگر، اهداف مقنن نیز به میزان قابل توجهی لحاظ خواهد شد.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۳، بنیاد حقوقی میزان: تهران.
- باهری، محمد (۱۳۴۰)، **حقوق جزای عمومی (تقریرات)**، برادران علمی: تهران.
- قانع، امیررضا (۱۳۹۹)، «تحلیل بزه توهین عملی و بزه ایراد ضرب عمدی بدون ایجاد اثر، در پرتو نقد رأی»، **فصلنامه رأی**، سال ۹، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۹.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، مجمع علمی و فرهنگی مجد: تهران.
- متین، احمد (به کوشش) (۱۳۳۰)، **مجموعه رویه قضایی**، قسمت جزایی، بی‌نا: تهران.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، بنیاد حقوقی میزان: تهران.

